کارگران همهٔ کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۶۳۱، دورهٔ هشتم
سال هجدهم، ۱۳ فروردین ۱۳۸۰

سرمایه گذاری خارجی، خصوصی سازی و دست یابی به فن آوری نوین

برنامه خصوصی سازی از سوی رژیم ولایت فقیه با شتاب فراوان در حال اجراست. روزی نیست که مقامات گوناگون رژیم پیرامون فواید برنامه خصوصی سازی سخنرانی و تبلیغ نکند. رسانه های گروهی، نهادهای مختلف، سران بلند پایه رژیم، نمایندگان مجلس و.. ضمن ستایش از خصوصی سازی، این روند را یگانه راه برون رفت از بحران و همچنین دست یابی به فن آوری نوین معرفی می کنند.

سید محمد خاتمی، در سخنانی که به هنگام مراسم راه اندازی خط تولید انبوه خودروی «سمند» ایراد کرد، ضمن تأکید بر ادامه برنامه خصوصی سازی و ضرورت تأمین امنیت سرمایه از جمله یادآور شد که: «خصوصی سازی در ایران مورد توجه همه دولت های پس از انقلاب بوده و تلاش هایی نیز در این راه صورت گرفته است اما باید گام های شجاعانه تر و استوارتری برداریم.» خاتمی سپس افزود: «باید همه در برابر جو سازی هایی که در مقابل خصوصی سازی صورت می گیرد و به کشور لطمه می زند بایستیم و این کار را انجام دهیم... تجربه ثابت کرده است بخش دولتی در مقایسه با بخش خصوصی کارایی کمتری دارد و حضور همه جانبه بخش دولتی زمینه رقابت که شرط رشد سرمایه گذاری و

ادامه در صفحه ۴

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در همبستگی با مبارزه مردم فلسطین

ما ضمن محکوم کردن اشغال نظامی مناطق فلسطینی توسط اسرائیل حمایت خود را از حق مردم فلسطین برای تشکیل کشور مستقل و دست یابی به صلح در خاورمیانه اعلام می کنیم!

حمله نظامی گسترده نیروهای اسرائیلی به مناطق فلسطینی، و اشغال تمام عیار این مناطق، بار دیگر اوضاع بحرانی خطرناکی را در خاورمیانه پدید آورده است که می تواند تمام منطقه را درگیر برخوردهای فاجعه بار نظامی کند. حزب توده ایران مردم نیروهای سیاسی مترقی و دموکرات میهن ما، نیروهای ملی و مترقی منطقه و افکار عمومی جهان را فرا می خواند که در دفاع از صلح جهانی و عدالت، در دفاع از حقوق حقه مردم فلسطین و در راستای اعمال قطعنامه های سازمان ملل متحد، تمام تلاش خود را برای جلوگیری از وقوع یک فاجعه بزرگ انسانی به کار گیرند.

حمله تانک ها و نفربر های زرهی ارتش اسرائیل به مقر رسمی دولت خودمختار فلسطین و محاصره یاسر عرفات، رهبر مردم فلسطین، در دفتر کار خود، یاد آور هجوم کودتاچیان شیلی تحت فرماندهی پینوشه دیکتاتور به کاخ ریاست جمهوری شیلی در سپتامبر ۱۹۷۳ و قتل ناجوانمردانه سالوادور آلند اه، رهبر محبوب مردم و زحمتکشان شیلی است. دستگیری ساکنان ۱۴ تا ۴۰ ساله رامالله، اعلام بسته بودن شهر به روی هرگونه بازدید کننده و ممنوعیت بازدید خبرنگاران از شهر، آتش گشودن و کشتار فعالین فلسطینی در گوشه و کنار شهر و درجریان بازرسی خانه به خانه اعمال ضد انسانی است که بی شک توسط هر نیروی عدالت خواهی محکوم است. این ظلم آشکار و ادامه اشغال بخش های وسیعی از سرزمین های مردم فلسطین توسط نیروهای اسرائیلی، از سوی دیگر به اوج گیری عملیات انتحاری و اقدامات تروریستی نیروهای افراطی در شهر های مختلف اسرائیل که در جریان آن ده ها شهروند غیرنظامی کشته شده اند، منجر گردیده است.

سیاست های آریل شارون و دولت دست راستی حاکم در اسرائیل که از حمایت ایالات متحده برخوردار است، عملاً متوجه نابود کردن هرگونه امکانی برای یافتن راه حل های صلح آمیز برای حل مسأله فلسطین است. در شرایطی که تصویب یکپارچه «طرح صلح» عربستان سعودی در اجلاس کشورهای عربی در بیروت، در روز ۸ فروردین، از سوی بسیاری در منطقه به عنوان امکان تازه ای برای حل صلح آمیز مسأله فلسطین ارزیابی گردید، موضع گیری های جنگ طلبانه دولت اسرائیل، در کنار ادامه حملات تروریستی منطقه را با بحران بی سابقه یی روبرو کرده است. در حالی که بر اساس ارزیابی شماری از

ادامه در صفحه ۶

منتشر شد

به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران، بر روی صفحات شبکه جهانی اینترنت، منتشر شد.

دو اثر از زنده یاد احسان طبری

از میان ریگ ها و الماس ها

و دانش و بینش

درگذشت خواهر آیت الله منتظری و خشم توده ها

این هفته، درگذشت خواهر آیت الله منتظری فرصتی دیگر برای توده ها بود تا خشم و کینه خویش را نسبت به رژیم ولایت فقیه بار دیگر نشان دهند. هر چند براساس گزارشات اولیه قرار بوده آیت الله منتظری در مراسم ختم خواهر خویش شرکت جوید ولی بر اساس آخرین گزارش هایی که بر روی اینترنت انتشار یافت، ماموران دادگاه ویژه روحانیت به وی اطلاع دادند که امکان شرکت او در این مراسم وجود ندارد. اما با تمام این تفاصیل، این امر مانع از آن نگردید که به همین مناسبت سیل پیام های معنی دار تسلیت برای آیت الله منتظری ارسال

بقیه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ضرورت تشدید مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی

سال نو در حالی برگزار گردید که مساله زندانیان سیاسی هنوز از معضلات مهم جنبش مردمی به شمار می رود. با اینکه تعداد زیادی از نیروهای ملی- مذهبی قبل از ایام نوروز به هر دلیلی و با تعیین وثیقه های سنگین آزاد گردیدند اما احکام صادره برضد دیگر شخصیت های سیاسی و تعدادی از دانشجویان زندانی بر شدت نگرانی ها افزود. این امر بخصوص در پی ادامه بازداشت دکتر پیمان و تقی رحمانی بیشتر به نگرانی ها دامن زده است. تلاش تحسین برانگیز خانواده زندانیان سیاسی با همه احوال ادامه یافت و در یک اقدام سمبلیک و به نشانه حمایت از زندانیان سیاسی دقایقی پیش از تحویل سال ۱۳۸۱ خانواده های ملی-مذهبی پس از پشت سر گذاشتن یک سال زندانی و انفرادی همسران و فرزندان خود و تحمل مشقات آن در کنار هم بر سر سفره هفت سین با خواندن سرود «ای ایران» سال نو را آغاز کردند.

در یک اقدام دیگر ۹ فعال ملی-مذهبی با انتشار بیانیه ای بازداشت آقایان دکتر پیمان و تقی رحمانی را مورد اعتراض قرار دادند. در قسمتی از این بیانیه با اشاره به آزادی بیش از ۵۰ نفر از بازداشت شدگان ملی- مذهبی، آمده است: « عدم تبدیل قرار آقایان دکتر پیمان و تقی رحمانی و به تعویق افتادن زمان برگزاری محاکمه آنان به بعد از تعطیلات سال نو و شهادت امام حسین، جز تاسف و تعجب برنمی انگیزد. »در ادامه این بیانیه، ضمن این توضیح که از محاکمه و بازجویی دو فرد مذکور مدت های مدید می گذرد، ادامه بازداشت آنها را فاقد توجیه می داند.

ادامه بازداشت تقی رحمانی از آن رو با اهمیت است که به وی اتهام ارتداد زده شد که بر اساس قوانین موجود مجازات مرگ به همراه خواهد داشت. هر چند احتمال چنین اقدامی از طرف مرتجعان حاکم به دلیل عکس العمل توده ها محتمل به نظر نمی رسد اما با توجه به نقش ارزنده همسر تقی رحمانی در افشای رژیم ولایت فقیه در دوران بازداشت نیروهای ملی مذهبی باید این امر را قسما به حساب تسویه حساب با نرگس محمدی از طریق فشار فزاینده روحی و جسمی به تقی رحمانی ارزیابی کرد. فشار به رژیم ولایت فقیه برای آزادی تقی رحمانی و دکتر پیمان و دیگر زندانیان سیاسی دربند، برای جلوگیری از انتقام جویی های بیشتر برضد زندانیانی که در حکم گروگان در زندان نگهداری می شوند، می باشد. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تا آخرین نفر و حمایت از مبارزانی که با سختکوشی و تلاشی خستگی ناپذیر در این راه مجاهدت کردند، همچنان باید پیگیرانه ادامه یابد.

مجازات وکیل مدافع خانواده قربانیان «قتل های زنجیزه ای»

چندی پیش مقامات قضایی در رژیم ولایت فقیه زمزمه هایی را سر دادند مبنی بر اینکه پرونده قتل های زنجیره ای مورد بررسی قرار می گیرد. با محکومیت اخیر ناصر زرافشان وکیل پرونده قتل های زنجیره ای، منظور از بررسی پرونده مذکور را به خوبی مشخص کرد. ناصر زرافشان در گفت و گویی که سایت ملی-مذهبی آن را به چاپ رسانده، گفت: «۳ سال از مدت محکومیت بابت وجود سلاح و ۷۰ ضربه شلاق بابت وجود،د مشروب در دفتر کار که این دو هیچ کدام به بنده ارتباطی نداشته و زمانی که در بازداشت به سر می بردم، در دفتر بنده قرار داده شده بود و از چند و چون آن هم بی اطلاع هستم و دو سال هم به عنوان افشای اسرار دولتی است. جداری فروغی بر اساس همین گزارش اعلام کرد که طبق دادنامه صادره، ناصر زرافشان به اتهام افشای اطلاعات طبقه بندی شده مربوط به پرونده قتل های زنجیره ای به دو سال حبس تعزیزی و در مورد نگهداری اسلحه و شش تیر فشنگ به سه سال حبس تعزیزی و در مورد اتهام نگهداری مشروبات الکلی در منزل و محل کار به پنجاه ضربه شلاق محکوم شده است.

با محکومیت ناصر زرافشان به زندان و شلاق تقریبا قطعی به نظر می رسد که رژیم ولایت فقیه بعد از یک دوره طوفانی و تحمل ضربات شدید از توده ها با سرهم بندی این مساله مهم ملی، درصدد انتقام جویی از کسانی است که نقشی شجاعانه و روشنگرانه در این جریان داشته اند. به همین دلیل مساله محکومیت ناصر زرافشان از این رو با حساسیت باید مورد پیگیری قرار گیرد که پیش زمینه ای بر پرونده سازی های رایج برضد اشخاص و در حقیقت کل جنبش مردمی است. رژیم ولایت فقیه در حالی که همچنان بر این ادعا پافشاری می کند که هیچ دخالتی در قتل های زنجیره ای نداشته است، در تمامی طول این مدت با سنگ اندازی در سر راه این پرونده از طرق «قانونی» و شیوه های ایجاد رعب و وحشت عملا ثابت کرد همچنان در صدد حمایت از مزدورانی است که به دستور رژیم این قتل ها را ترتیب و به مورد اجرا گذاشته اند. این گستاخی رژیم ولایت فقیه هشدار جدی است به تمامی نیروهای واقعی طرفدار اصلاحات که مانع از به انجام رساندن نقشه های از پیش تعیین شده دشمنان قسم خورده مردم بشوند. حمایت از ناصر زرافشان ضمن اینکه تقدیر از مبارزه شجاعانه یک شخصیت معتبر حقوقی است، اقدامی است در مقابله با تهاجمات رژیم ولایت فقیه برضد جنبش مردمی.

ادامهٔ درگذشت خواهر آیت

نشود. هفته گذشته بسیاری از شخصیت های سیاسی چه در داخل حکومت و چه خارج از حکومت و از جمله زندانیان سیاسی آزاد شده اخیر در یک اقدام دسته جمعی پیام ابراز تسلیتی به قم ارسال کردند. بر اساس دیگر گزارشات رسیده، مراسم ختم حتی با حضور تعدادی از مراجع و روحانیون شناخته شده حکومتی از جمله موسوی اردبیلی، مومن، امام جمعه موقت قم و عضو مجلس خبرگان، طاهری امام جمعه اصفهان و دکتر کدیور برگزار گردید. حضور عمادالدین باقی، که مورد توجه زیاد مردم قرار گرفت از نکات جالب این مراسم گزارش شده است. حضور حجتی وزیر جهاد به عنوان نماینده دولت خاتمی و نماینده ای از مجلس نیز به این مراسم بعد کاملا سیاسی داده بود. از نکات جالب توجه دیگر حضور گسترده قشرهای عادی مردم، بخصوص از تهران و اصفهان، بررغم تدابیر شدید امنیتی، عرصه را بر مزدوران رژیم ولایت فقیه تنگ کرده بود. ترکیب شرکت کنندگان به بهانه حضور در مراسم بیش از آنکه به مساله فوت خواهر آیت الله منتظری بپردازد، نوعی دهن کجی آشکار به رژیم ولایت فقیه و شخص خامنه ای باید تلقی شود. این موضوع از آن رو حائز اهمیت است که چندی پیش علی خامنه ای در جریان سفر خویش به استان اصفهان در یک سخنرانی در نجف آباد برگزار شد، خواست به نوعی قدرت نمایی بپردازد. رژیم ولایت فقیه در تمامی طول سالیان گذشته سعی داشته تا با طرق مختلف چه از منظر شخصیتی و چه از منظر سیاسی آیت الله منتظری را منکوب و از صحنه سیاسی ایران خارج سازد. مراسم اخیر نشان از بیهودگی این تلاش دارد. مراسم مذکور نشان داد حتی مشروعیت رژیم در عرصه های مذهبی در میان خود حکومتیان هم فاقد پایگاه است.

چشم اندازهای «امیدوارکننده» اقتصادی!؟

«مداومت و جدیت دولت در پیشبرد سیاست های اقتصادی اصلاح گرایانه در سال ۱۳۸۰ همراه با برخی تحولات مثبت داخلی و بین المللی، چشم انداز اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۱ را حتی روشنتر و امیدوارکننده تر از سال ۱۳۸۰ می نمایاند. در سال ۱۳۸۰ و با وجود تنش ها و نوسانات بسیار شدید داخلی و بین المللی از جمله تحولات پس از رو،یدادهای یازدهم سپتامبر، دولت از خط اصلی سیاست گذاری اقتصادی و کاهش تصدی دولت عدول نکرد و حتی چشم انداز ضعیف بازار جهانی نفت خام در ۶ ماه پس از رویدادهای یازدهم سپتامبر موجب نشد تا سیاست تک نرخی شدن ارز به مثابه یکی از مهم ترین تحولات اقتصادی ۱۰ سال اخیر کشور مورد تردید قرار گیرد.» (قسمتی ازسرمقاله نوروز، ۶ فروردین)
یکی از مهم ترین مباحثی که حتی به دوران قبل از ریاست جمهوری محمد خاتمی برمی گردد، بحث سیاست های اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی در گذشته و حال بوده است. به نظر می رسد نگرشی هدفمند سعی دارد میزان نفرت و انزجار عمومی نسبت به رفسنجانی را در سیاست هایی که مربوط به مقوله های اقتصادی نیست، خلاصه کند.

اما واقعیت این است که رفسنجانی و همفکرانش که شامل حال ذوب شدگان در ولایت نیز می باشند با سرکوب دگر اندیشان و محدودیت های سیاسی در تمامی طول دوران ریاست جمهوری اش، عملا در صدد برآمدند با جار و جنجال های فراوان این نوید را بدهند که راه پیشرفت اقتصادی ایران، در گرو تحقق برنامه های مذکور می باشد. شکاف عمیق طبقاتی ناشی از سیاست های فوق به علاوه فساد غیر قابل تصور در سطح عالی ترین مقامات حکومتی نشان داد نه برنامه های رفسنجانی و نه بافت سیاسی حاکم،اصولا امکان هرگونه پیشرفت در جهت منافع عمومی را نمی دهند.

برغم فضای سیاسی متفاوت نسبت به گذشته از مقطع دوم خرداد ۷۶ به بعد، ادامه سیاست های اقتصادی خانمان برانداز نه تنها کمکی به رفع این معضل نکرد، بلکه زحمتکشان میهن مان را با مشکلات و وضعیتی به مراتب سخت تر و وحشتناک تر از گذشته روبرو کرد. برغم ادعای روزنامه نوروز، نگاهی به وضعیت زحمتکشان حتی در همین سال گذشته، نشان می دهد بهبودی در وضعیت زحمتکشان حاصل نگردید. مشخصا معلوم نیست روزنامه «نوروز» بر اساس کدامین ارزیابی ها معتقد است چشم انداز اقتصاد ایران در سال جدید امیدوار کننده می باشد.

به نظر می رسد قسمتی از امیداوری مذکور در افزایش قیمت های جهانی نفت می باشد. حتی اگر مطمئن باشیم که قیمت های نفت در سال جدید با نوسانات شدید همراه نخواهد بود، تکیه بر اقتصاد تک محصولی به هیچ عنوان نشانه ای امیدوار کننده آن هم برای کشوری چون ایران نخواهد بود. به علاوه هنوز بحث فساد اقتصادی در بین مقامات حکومتی که تاثیرات بسیار مخربی بر زندگی زحمتکشان میهن گذاشته دامنگیر اقتصاد ایران می باشد. برخوردهای جناحی در سال گذشته با اینکه به افشای گوشه هایی از این فساد گسترده انجامید، معهذا ادامه چنین جدل هایی فقط معطوف به حذف جناح مقابل از این طریق مبدل گردیده است. توجه به همین مساله به خوبی این واقعیت غیرقابل انکار را به اثبات می رساند که حتی در پرتو یک سیاست اقتصادی مقبول، به دلیل وجود یک بافت سیاسی فاسد در بین کلیدی ترین مقامات حکومتی، امکان یک چشم انداز امیدوار کننده، یا یک خوش خیالی است و یا اینکه گمراه کردن توده ها می باشد.

تاکید جنبش مردمی بر توسعه سیاسی دقیقا در همین نکته نهفته است. جنبش مردمی، ضمن افشای فساد اقتصادی موجود، با بسط و گسترش مباحث اقتصادی و واقعیت های موجود در این رابطه با استفاده از نمونه های جهانی آن، یگانه مرجع قابل قبول برای تعیین سیاست های اقتصادی در جهت منافع زحمتکشان میهنمان می باشد.

تظاهرات میلیونی در ایتالیا علیه قانون کار جدید

بالغ بر دو میلیون نفر از فعالین سندیکایی و زحمتکشان ایتالیا در اعتراض به تغییر قانون کار این کشور توسط «برلوسکونی»، نخست وزیر، در تظاهرات بی سابقه و وسیعی که رم را به تعطیل کشید، مخالفت خود با راست ترین جناح سرمایه داری حاکم بر کشور اعلام کردند.

بنا به تغییرات جدیدی که از سوی «برلوسکونی» برای «اصلاح» قانون کار ایتالیا پیشنهاد شده است، اخراج کارگران ثابت و دائمی به راحتی صورت خواهد گرفت و قوانین حمایت از کارگران کارایی خود را از دست خواهد داد و بیمه بازنشستگی نیز به دست بخش خصوصی سپرده خواهد شد.

بنا به گفته «برلوسکونی»، این تغییرات برای کشور ضروری است و قانون کار فعلی توان رقابتی موسسات تولیدی را کاهش می دهد واینکه تغییرات جدید می تواند فرصت های شغلی بیشتری را بوجود آورد. نخست وزیر جنجالی و ارتجاعی ایتالیا تاکید کرد به تلاش خود برای تغییر قانون کار ادامه خواهد داد.

موج خشم و نارضایتی کارگران ایتالیایی از انتخابات ماه مه سال گذشته که در جریان آن نیروهای میانه رو متمایل به چپ شکست خوردند، و بدنبال اعلام سیاست های ضد کارگری دولت «برلوسکونی» آغاز شد. در اولین نشانه های موضعگیری زحمتکشان، کارگران فلز کار دست به اعتصاب یک روزه زدند و پس از آن نیز ده ها هزار تن از جوانان و زحمتکشان ایتالیا در اعتراض به سیاست های رهبران کشورهای موسوم به گ - ۸ (۸ کشور قدرتمند جهان) ، تظاهراتی وسیع را در ژوئیه گذشته در شهر جنوا ترتیب دادند که در آن پلیس با شقاوت تمام به سرکوب تظاهرات پرداخت و یکی از تظاهر کنندگان را نیز به قتل رساند.

تظاهرات اخیر در اعتراض به سیاست های دولت در مورد کاهش دادن استاندارد زندگی مردم صورت می گیرد . طرح برلوسکونی برای خصوصی سازی موسسات وصنایع دولتی و عمومی ، یکی از وسیعترین طرح های خصوصی سازی در جهان است ،که به بهانه کاهش بدهی های عمومی صورت می گیرد .

سیاست های برلوسکونی در جهت کاهش مالیات ها نیز فقط به نفع سرمایه داری و اقشار مرفه بوده و فشار اصلی آن بر دوش کارگران و زحمتکشان خواهد بود. این تغییرات که در راستای رهنمود های اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول صورت می گیرد که در جهت فراهم آوردن شرایط وحدت سیستم مالی، پولی و مالیاتی کشور ها را وادار به کاهش مالیات ها و تبعاً کاهش در بودجه خدمات عمومی می کنند .

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران !

ادامه سرمایه گذاری خارجی، خصوصی سازی ...

تولیـد است را از بین می برد ... تلاش دولت در جـهت کم کـردن تصـدی دولت و تقویت بخش خصوصی است ...»

این نخستین باری نیست که یکی از مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی در دفاع از بخش خصوصی و معرفی آن به عنوان راهکار اساسی برای خروج از بحران اقتصادی - اجتماعی کنونی داد سخن می دهد. مردم میهن ما به یاد دارند که در دوران هشت ساله ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، همین برنامه ها و نظرات بر پایه دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در میهن ما به مرحله اجرا درآمد و فاجعه یی که ما امروز در شکل بیکاری مزمن، فقر و ناهنجاری های اجتماعی زایده محرومیت های شدید نتایج فاجعه بار همان سیاست هایی است که امروز آقای خاتمی می خواهد به عنوان راه کار نجات کشور ارائه دهد. خاتمی ضمن روشن تر کردن برنامه دولت در این عرصه می گوید: «باید امنیت برای کار آفرینانان و سرمایه گذاران چه برای آنان که در داخل کشور امکانات و سرمایه های خود را به کار می گیرند و چه برای سرمایه های خارجی فراهم شود... وظیفه دولت تدوین سیاست های پولی و مالی مناسب است... تصویب قانون اصلاح مالیات ها ایجاد امکانات بیشتر برای بخش خصوصی و امکان بهره گیری این بخش از حساب و ذخیره ارزی از جمله اقدامات دولت در جهت گسترش فعالیت بخش خصوصی است... دستیابی به دانش فنی و تکنولوژی بالا نیازمند تغییر در سیاست خارجی و نحوه رفتار ما با دنیاست...» چنین موضع گیری هایی در عین حال نشانگر درهم تنیدگی سیاست خارجی ایران با سمت گیری اقتصادی اجتماعی یی است که در سال های اخیر در میهن ما دنبال شده است.

همزمان با سخنان سید محمد خاتمی، هاشمی رفسنجانی نیز در سخنانی، در نشست مسئولان پتروشیمی و طرح توسعه میدان گاز پارس جنوبی در استان بوشهر، در تاریخ ۱۰ و ۱۱ اسفندماه ۱۳۸۰ خاطر نشان کرد: «کشور دیگر فرصت عقب افتادن طرح های اقتصادی نفت و گاز را ندارد و مزاحمت های داخلی باید به حمایت تبدیل شود تا این اهداف سریع تر تحقق یابد. سیاست کلی صنعت به زودی به جلسه های مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد آمد.» رفسنجانی در همین نشست ضمن دفاع آتشین از گسترش روند خصوصی سازی، به ویژه در صنایع کلیدی، قول داد که مجمع تشخیص مصلحت در راه تحقق این سیاست گام های لازم را بردارد. پیش از این، در اواسط دی ماه سال ۸۰، وزیر مسکن و شهر سازی، در نشست سرمایه گذاری استان پارس در شهر شیراز گفت: «دولت با این احساس که رفع مشکل مسکن با مشارکت سرمایه گذاری خارجی امکان پذیر است، مجوز انجام سرمایه گذاری در بخش مسکن را صادر کرده است، کاهش تصدی گری دولت در بخش مسکن یک اصل است و بانک جهانی از این امر استقبال نمود.»

در همین نشست عطاالله مهاجرانی، در سخنرانی یی با عنوان «سرمایه داران مرفه و بی درد» یاد آور شد: «برای دست یابی به هدف ترسیم شده رشد ۶ درصدی، راهی جز جذب سرمایه گذاری خارجی در کشور نیست. جذب سرمایه خارجی راهکار مناسبی برای افزایش اشتغال و تولید است...»

و البته دولت و مجلس نیز در این راه گام های مهمی برداشته اند. با تصویب قانون جدید مالیات های مستقیم، بخش خصوصی غیر مولد و دلال کشور و نیز سرمایه داران خارجی از معافیت های مالیاتی عمده، آنهم به زیان تولید ملی و نیروی کار بهره مند می شوند.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی در توضیح مصوبه جدید گفت: «در صورتی که صاحبان مشاغل با خالص درآمد های بالا (بیش از ۴ میلیون ریال در سال) فعالیت های خود را در قالب شرکت های اقتصادی سامان دهی کنند، از مزایای مالیاتی از جمله نرخ مقطوع ۲۵ درصد معافیت های دیگر چون تخفیف مالیاتی ویژه بهره مند خواهند شد.»

آیا این مصوبه جدید همان اجرای درخواست هانس آیشل، وزیر اقتصاد آلمان نیست، که در سفر اخیر خود به ایران با همتای ایرانی خود طرح کرده بود. هنگام آن سفر طهماسب مظاهری وزیر اقتصاد رژیم ولایت فقیه در پاسخ به آیشل گفته بود: «با اصلاح قانون مالیات های مستقیم یکی از موانع موجود در راه سرمایه گذاری در کشور بر طرف خواهد شد.» و البته با تصویب قانون جدید این مانع به نظر می رسد که به خواست کشورهای سرمایه داری از سر راه برداشته شده است. تأکیدات دولت خاتمی بر خصوصی سازی، تغییر سیاست های اقتصادی و مالیاتی کشور در راستای جلب و خواست سرمایه خارجی و عمل به دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ثمره یی جز فاجعه اقتصادی یی که میهن ما امروز با آن دست به گریبان است نخواهد داشت. این سیاست ها بر ضد منافع ملی و مردم میهن ماست و هیچ گونه همخوانی با ادعاهای تلاش در راه تحقق عدالت اجتماعی ندارد.

ادعای آقای خاتمی در زمینه موفقیت بخش خصوصی و سرمایه خارجی، با استناد به شواهد تاریخی نیز بیش از هر چیز حکایت از بی اطلاعی از تاریخ و خصوصاً تاریخ میهن ما دارد. مگر نه اینست که در تمامی دوران ۲۵ ساله حکومت سیاه محمد رضا شاه پهلوی ایران بهشت سرمایه گذاری خارجی و حاکمیت سرمایه خصوصی بر همه حیات اقتصادی کشور بود. ثمره همین دوران، بی عدالتی، بنا شدن حلبی آبادها در مقابل کاخ های رنگارنگ سرمایه داران وابسته بود، این واقعیت سند تاریخی مهم ورشکستگی چنین نظراتی است که امروز تلاش می شود به عنوان راه حل معضلات عظیم جامعه ما به خورد مردم داده شود. نکته دیگری که در این سخنرانی ها آتشین، در دفاع از بخش خصوصی به عمد به دست فراموشی سپرده می شود، این واقعیت است که تجربه سال های اخیر میهن ما نشان داده است که بخش خصوصی عمدتاً خصلتی انگلی دارد و سرمایه آن کمتر جذب راه اندازی تولید در کشور است. انباشت بی سابقه صدها میلیارد نقدینگی در دست بخش خصوصی، که چندی پیش به عنوان یکی از معضلات اساسی اقتصادی در میهن ما ارزیابی می گردید، نه به دلیل نبود امنیت سرمایه، بلکه به دلیل خصلت عمیقاً انگلی و ضد تولیدی آن نوع سرمایه داری است که امروز بر همه حیات اقتصادی میهن ما حاکم است. دلالی، وارد کردن کالاهای خارجی و فروش آن با سود های هنگفت از جمله عمده ترین فعالیت های اقتصادی این سرمایه داری است که ضربات سهمناکی به تولید داخلی وارد آورده است.

نکته دیگری که توجه جدی به آن ضروری است این است که مجموعه صنعتی ایران از قوام ساختاری برخوردار نیست و به همین دلیل همواره در دوره های گوناگون با نوسان مواجه بوده است زیرا میزان تولید با توجه به الزامات تغییر نمی یابد. این ویژگی ناشی از خصلت وابسته صنایع بزرگ ایران به واردات مواد اولیه و دانش فنی ضرور برای ارتقا کیفیت تولید است. جالب این جاست که همین خط تولید خودروی «سمند» که «خودروی ملی» نام گرفته است نیز از این قاعده مستثنی نیست. در حالی که مطبوعات مجاز اعلام می کنند بیش از ۸۰ درصد بخش های این خودرو در داخل تولید می شود کارشناسان یاد آوری می کنند که دانش فنی این خط تولید متعلق به کشورهای اروپایی است و طراحی و ساخت بخش های این خودرو کار متخصصان خارجی است!

در انتها، تأکید بر این نکته ضروری است که، برنامه خصوصی سازی در مغایرت آشکار با منافع ملی و تقویت بنیه تولید ملی و تأمین منافع و حقوق کارگران و زحمتکشان قرار دارد. تجربه تاریخی نه تنها در کشور ما بلکه در دیگر کشورهای جهان از آسیا و آفریقا تا خاورمیانه، نشان داده است که سرمایه خارجی تنها به دست یابی به سود کلان در کوتاه مدت علاقمند است و نه به تجهیز کشورهای عقب مانده به فن آوری نوین به منظور آنکه بتوانند در راه استقلال اقتصادی خود گام بردارند. ادامه سیاست های کنونی، همان طوری که در دوران فاجعه بار رفسنجانی تجربه شد ثمری جز ضربه زدن به توان تولیدی کشور، افزایش بیکاری، تشدید استثمار کارگران و زحمتکشان، از طریق تشدید بی حقوقی آنان و تبدیل بیش از پیش ایران به زائده اقتصادی سرمایه داری جهانی ندارد. با این سیاست ها باید با تمام توان مبارزه کرد.

ادامه تشدیدها فشارها بر جنبش مردمی

مناسبت سال جدید این فرصت را به وجود آورد تا ذوب شدگان در ولایت بار دیگر نیات واقعی خویش را در مقابله با جنبش مردمی به اطلاع عمومی برسانند. در این میان تسویه حساب با جناح مقابل و وادار کردن آنها به تمکین و در نهایت ضربه زدن هر چه بیشتر به جنبش توده ها تا مسخ کامل آن همچنان به طور جدی پیگیری می شود. تکیه بر روی مباحث اقتصادی و «مبارزه » با فساد اقتصادی از محورهایی بوده که از گذشته تاکنون ادامه داشته و بهانه صحبت های بوش رئیس جمهوری آمریکا برضد ایران، زیر عنوان «وفاق عمومی» در تشدید این امر موثر بوده است. علی خامنه ای در چند مورد پیام و صحبت های خود با اشاره به چنین مواردی گفت: «مسئولان و دستگاه های ذیربط باید با همه وجود به طور شبانه روزی برای ایجاد اشتغال فعالیت بکنند و هیچ مساله داخلی یا تهدید خارجی نباید مانعی در این راه به وجود آورد.» (نوروز، ۱۰ فروردین) وی همچنین در رابطه با آن چیزی که برخوردهای افراطی یا تفریطی با مساله مبارزه با فساد، می شود، گفت: «بر خلاف تصور برخی، این حرکت، بهانه ای سیاسی برای برخورد با بعضی ها نیست بلکه حرکتی حقیقی و لازم است.» ناطق نوری، نامزد «اصلحی» که در دوم خرداد ۷۶ سیلی آبداری از توده ها خورد، در یک سخنرانی گفت: «امروز در کشور بیش از هر چیز نیازمند وحدت کلمه و وفاق هستیم. در موقعیت کنونی هر سخنرانی و حرفی که باعث تفرقه در کشور شود، آب در آسیاب آمریکا ریختن به حساب می آید. دشمن با ایجاد تفرقه در کشور ابتدا گروه اول و سپس گروه دوم را نابود خواهد کرد. متاسفانه در داخل کشور نیز عده ای با قلم و سخنرانی خود زمینه را برای دشمن فراهم می کنند.» (نوروز، ۶ فروردین) اما روزنامه رسالت، ۷ فروردین، زاویه ای دیگر از این مسأله را شکافته و آن بحث حاکمیت دوگانه در ایران است. این روزنامه با اشاره به این موضوع که رژیم جمهوری اسلامی تاکنون امکان هرگونه بهانه برای مداخله آمریکا را مسدود کرده می نویسد: «تنها راه باقی مانده برای بهانه جویی توسط آمریکا و توجیه افکار عمومی جهان یک موضوع است که در سخنان رئیس جمهور و مقامات آمریکایی به صراحت نیز اعلام گردیده است و آن موضوع اعلام یک حکومت دوگانه و کاملا متضاد در ایران است... آمریکا در صدد القای این موضوع است که بخشی از حاکمیت ایران که قدرت نظامی دارد، انحصار طلب و خشونت گرا و جنگ طلب است ولی رفتار بخش دیگری از حاکمیت ایران، دمکراتیک بوده و قابل تحمل است. لذا چون چنین نظام دو پارچه ای قابل اعتماد نیست و هر لحظه ممکن است رفتار خاصی از آن سربزند که ناشی از نزاع میان دوبخش از حاکمیت است، باید به حیات چنین نظام غیر قابل محاسبه پایان داد تا حاکمیت یکپارچه گردد» موضوعی که تاکنون زیرکانه از مطرح کردن آن صرف نظر شده است همانا خواسته های توده ها در این رهگذر است. صحبت ها و نوشته های ارایه شده تاکنونی موذیانه سعی دارد مسایل را در محدوده درگیری های جناحی یا خطرات آمریکا مطرح کند تا از این طریق سرپوش و استتاری باشد بر برنامه در دست تهیه برضد جنبش توده ها. همین روزنامه در تاریخ ۶ فروردین در مقاله ای تهدید گونه که مخاطب آن قاعدتا باید کروبی باشد در رابطه با محاکمه شهرام جزایری، در ابتدا به مساله هویت شخصی می پردازد و می نویسد: «ما هر کدام به غیر از شخصیت فردی یک هویت اجتماعی نیز داریم. همانطور که معمولا به خوبی می دانیم که چگونه از شخصیت فردی خویش دفاع کنیم و به مجرد برخوردی با آن با عصبیت از خود دفاع می کنیم می باید از شخصیت اجتماعی و منصبی که در آن قرار داریم نیز به همان شدت بیشتری دفاع کنیم.» مقاله در ادامه آورده است: « از جمله راههای تخریب اجتماعی به کارگیری آن در جای نامناسب است. در وجه فردی شاعر می گوید «جایی بنشین که برنخیزانندت». در موقعیت اجتماعی نیز این امر صادق است. اگر مسئولی به جای مسئولی دیگر فرمان دهد از او پذیرفته نشده موجب وهن مقام او نیز می گردد. حال اگر این مداخله اعمال نفوذ در کاری نامشروع و خارج از ضوابط باشد به مراتب مخرب تر است و در صورت تکرار و همه گیر شدن آن موجب هرج و مرج اجتماعی.»

با توجه به موارد مذکور این استنباط که در سال جدید ما شاهد فشار باز هم بیشتر بر روی جنبش توده ها خواهیم بود، با واقعیت های موجود همخوانی دارد. با توجه به پیام نوروزی محمد خاتمی که در آن به مسایل اقتصادی توجه ویژه ای گردیده بود، و بخصوص سلسله مطالب اقتصادی در روزنامه نوروز و رسالت، حاکی از وجود اختلاف نظر بین جناح های حکومتی در این رابطه می باشد. در این میان تلاش ذوب شدگان در ولایت بر چند محور ارعاب، تهدید و تمکین دور می زند. رژیم ولایت فقیه به خیال خویش سعی وافر دارد با تشدید فشار بر روی اصلاح طلبان حکومتی راه سرکوب جنبش را هر چه بیشتر هموار کند، و این در حالی است که جنبش مردمی بارها ثابت کرده است که مستقل از اراده جناح های حکومتی و حتی دیگر گروه های سیاسی خارج از حاکمیت به راه دشوار خویش ادامه می دهد. آن چیزی که ذوب شدگان در ولایت در صدد هستند از طریق آن بخت خود را آزمایش کنند نه نگاه به این واقعیت موجود که تلاشی عبث برای حفظ این رژیم پوسیده است.

صلح خاورمیانه و اجلاس کشور های عربی

چهاردهمین اجلاس عادی جامعه کشور های عربی در روز های ۷ و ۸ فروردین ماه در بیروت پایتخت لبنان برگزار شد. اوضاع متشنج بین المللی، تند شدن مواضع تهدیدآمیز ایالات متحده آمریکا برضد عراق و احتمال حمله نظامی به این کشور، و ادامه سیاست های تجاوزکارانه دولت اسرائیل برضد مردم فلسطین و دولت خود مختار فلسطینی توجه بین المللی را به این گرد همایی معطوف کرده بود. در این رابطه حضور کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل، و انزار، رئیس دولت اسپانیا، که ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را به عهده دارد، در اجلاس قابل توجه بود.

مطرح شدن و تصمیم گیری در رابطه با «طرح صلح » عربستان سعودی که در دو ماهه اخیر بطور وسیع مورد بحث محافل جهانی بوده، در این اجلاس به آن اهمیت ویژه ای را داده بود. گرچه بسیاری از نیروهای مترقی با توجه به مواضع ارتجاعی عربستان سعودی و گرایش های حاکم بر برخی از کشور های عمده و پرقدرت عربی امید چندانی به حصول نتیجه تعیین کننده ای در گردهمایی بیروت نداشتند. عدم شرکت حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر، و ملک عبدالله پادشاه اردن، رهبران دو کشوری که با اسرائیل پیمان صلح امضاء کرده اند، به بهانه های واهی، ادامه گسترده درگیری های خونین و تراژیک در اسرائیل و اراضی اشغالی، عدم اجازه دولت لبنان به پخش مستقیم و زنده سخنرانی یاسر عرفات خطاب به رهبران کشورهای عربی حاضر در جلسه افتتاحیه، ترک اعتراض آمیز اجلاس از سوی هیئت فلسطینی همه دلایلی در اثبات پایه های واقعی برای این ناامیدی نیروهای طرفدار صلح در منطقه بودند. دولت اسرائیل با مشروط کردن مسافرت عرفات به قبول یک طرح آتش بس یک جانبه، محبوس کردن او در دفتر ریاست جمهوری او را از شرکت در گردهمایی محروم کرد. با قبول دولت لبنان به پخش سخنرانی عرفات در اجلاس و ثبت رسمی آن در مدارک مربوط به مذاکرات گردهمایی سران کشور های عربی، هیئت فلسطینی به رهبری فواد قدومی در روز دوم در میان کف زدن ها و تشویق حضار در اجلاس شرکت کرد.

اجلاس کشور های عربی در روز ۸ فروردین با رای موافق همه ۲۲ هیئت حاضر در بیروت «طرح صلح» ولیعهد سعودی را که در اساس باز تاکید قطعنامه مصوب اجلاس فوق العاده کشورهای عربی در ژوئن ۱۹۹۶ در قاهره در رابطه با «یک صلح عادلانه و همه جانبه در خاورمیانه به مثابه یک انتخاب استراتژیک کشورهای عربی» بود، را به تصویب رساند. «طرح صلح» مصوب اجلاس خواهان عقب نشینی و تخلیه کامل نیروهای اسرائیلی از سرزمین های عربی اشغال شده از ژوئن ۱۹۶۷، اجرای قطعنامه

ادامه در صفحه ۶

ادامهٔ اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در همبستگی

نیروهای سیاسی منطقه، «طرح صلح» مصوب اجلاس بیروت، که مورد پشتیبانی کشورهای اتحادیه اروپا و سخنگویان رسمی وزارت خارجه ایالات متحده هم قرار گرفته بود، می توانست در اوضاع بشدت وخیم کنونی، به عنوان پایه حداقل و مورد قبولی برای حل مسأله فلسطین و آغاز مذاکرات صلح مورد بررسی قرار گیرد، اقدام دولت شارون و متهم کردن «یاسر عرفات» به عنوان «دشمن دولت اسرائیل» و حمله واحد های نظامی ارتش اسرائیل به مقر دولت خودمختار فلسطینی و محل اقامت رهبر فلسطینی ها، که منجر به کشتن تعداد ی از محافظان او و نیروهای پلیس فلسطین شده است،عملاً هر گونه امکانی را در زمنیه تحقق این امر محدود کرد.

دولت شارون بطور هدفمندی خواهان تکرار سناریوی محاصره بیروت، در سال ۱۹۸۲ است. دولت راست گرا و ارتجاعی اسرائیل بر این ارزیابی است که در شرایط کنونی اوضاع بین المللی با شکست نظامی و سرکوب نیروهای فلسطینی و تضعیف موقعیت یاسر عرفات، به عنوان رهبر فلسطین، می تواند خواست خود را به مردم فلسطین تحمیل کند. آغاز بحران کنونی را می توان در اقدام تحریک آمیز شارون، ۱۸ ماه پیش، در بازدید از منطقه عرب نشین شرق بیت المقدس، بر رغم اعتراض مردم فلسطینی و به منظور تحریک واکنش منفی و شروع یک درگیری دانست. این اقدام با هدف ایجاد شرایط برای نقض مفاد قطعنامه ها و موافقتنامه های خود در چهارچوب «قرار دادصلح اسلو» از سوی نیروهای دست راستی حاکم بر دولت اسرائیل سازمان دهی و به مرحله اجراء درآمد. امروز برای همه مفسران بی طرف و نیروهای انسان دوست و مترقی منطقه روشن است که سیاست دولت شارون در تعلیق مذاکرات صلح، و منوط کردن به سر گیری آن به عدم انجام هر گونه اقدام تروریستی برای یک هفته، و سپس تحریک برنامه ریزی شده نیروهای افراطی بنیاد گرا از طریق اقدامات و سخنان تحریک آمیز به منظور توجیه سیاست های سرکوبگرانه، دلیل اصلی نضج گیری اوضاع به شدت بحرانی کنونی است. حزب توده ایران به دفعات این دور باطل تجاوزگری دولت اسرائیل و تروریسم کور نیروهای افراطی اسلامی را محکوم کرده است. ممانعت از حضور یاسر عرفات در گردهمایی جامعه کشور های عربی در بیروت که دستور کار اصلی آن تصویب «طرح صلح» عربستان سعودی بود، به روشنی نیت اصلی دولت شارون در عدم علاقه به حل صلح آمیز مسأله فلسطین را افشاء می کند.

دولت اسرائیل و حامیان آن خصوصاً دولت جرج بوش تلاش دارند که با سوء استفاده از موضع یکپارچه جهانی در محکومیت عملیات تروریستی در ۱۱ سپتامبر و همدردی افکار عمومی بین المللی با قربانیان این فاجعه انسانی و محکومیت بلاقید و شرط مسببان آن، سیاست های خود در سرکوب مردم فلسطین و گستراندن «نظم نوین جهانی» امپریالیستی در منطقه خاورمیانه توجیه کنند. حزب توده ایران معتقد است که ایالات متحده آمریکا، و به ویژه سران کنونی سیاست گذاری آن، مسئولیت عمده یی در رابطه با ایجاد و اوج گیری بحران کنونی اوضاع دارند. اظهارات جورج بوش، ریاست جمهوری، و دیگر طراحان سیاست های خارجی و نظامی آمریکا در محق دانستن اسرائیل در اتخاذ سیاست های سرکوبگرانه و «درک مواضع اسرائیل»، چشم پوشی از اقدامات تحریک آمیز آن، و گذاشتن مسئولیت پایان دادن به دور باطل اقدامات نظامی و عملیات تروریستی بر دوش یاسر عرفات و دولت خودمختار فلسطینی، عملاً دست شارون را برای ادامه جنایت های خود و اتخاذ هر گونه سیاست سرکوبگرانه ای باز نگه داشته است. این در شرایطی است که اسرائیل در سه ماه گذشته با حمله و نابودی ادارات پلیس و ساختار های امنیتی و نظامی دولت خودمختار فلسطینی و نابودکردن شبکه ارتباطی آن عملاً عملکرد دولت خودمختار را غیر ممکن کرده است.

حزب ما همچنین نگرانی خود را از عواقب آنچه در فلسطین می گذرد و نتایج سیاست های اسرائیل، که اگر در همین مرحله متوقف نشود، در مرحله بعدی خود می تواند تحولات میهن ما را مستقیماً تحت الشعاع قرار دهد، اعلام می کند. حزب توده ایران معتقد است که اتخاذ یک سیاست فعال در دفاع از حقوق حقه خلق های منطقه برای حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی می تواند و باید در چهارچوب دفاع از تشنج زدایی و صلح واقعی در منطقه و جهان، راهنمای عمل همه نیروهای مترقی و میهن دوست و دموکرات منطقه باشد. در شرایطی که ایالات متحده و متحدان آن، و به خصوص دولت انگلستان، تدارک عملی حمله نظامی جدید، خصوصاً بر ضد عراق، را آغاز کرده اند و بی توجه به اعتراض افکار عمومی بین المللی طرح های شدیداً ضد مردمی و خطرناکی را برای تأمین منافع برتری طلبانه خود در منطقه تدارک دیده اند، نیروهای مترقی و انقلابی مسئولیت ویژه یی در ارائه طریق و مبارزه برای صلح و امنیت منطقه به دوش دارند.

حزب توده ایران با احساس مسئولیت ویژه در رابطه با اوضاع حساس و بحرانی منطقه هم صدا با نیروهای ترقی خواه و انقلابی منطقه از تمامی نیروهای صلح طلب و عدالت خواه جهان می طلبد با اعتراض به رخدادهای کنونی در اراضی اشغالی مانع ادامه فاجعه کنونی و گسترش درگیری ها شوند. ما خواهان پایان یافتن دور باطل درگیری های کنونی، پایان محاصره نظامی مقر رهبر فلسطین و امکان اعمال حاکمیت دولت خودمختار بر اساس توافق نامه های صلح امضاء شده در رابطه با اراضی فلسطینی می باشیم. ما معتقدیم که سازمان ملل متحد می باید در شرایط کنونی نقش فعال و موثرتری را بدوش گرفته و ضمن تضمین تخلیه کاملِ نیروهای نظامی اسرائیلی از تمامی کرانه غربی و نوار غزه با مستقر کردن نیروهای حافظ صلح بین المللی که منحصراً تحت رهبری دبیرکل سازمان ملل و بر طبق منشور آن عمل می کنند، در مرز های فلسطین خود مختار با اسرائیل شرایط اعاده صلح در منطقه و احتراز از یک درگیری همه جانبه بین المللی را فراهم نماید. ما معتقدیم که هر گونه اهمالی در کسب این مهم می تواند منطقه خاورمیانه و صلح جهانی را با تهدیدهای جدی مواجه کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۲ فروردین ۱۳۸۱

ادامه صلح خاورمیانه،

های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل که در کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ مورد باز تائید قرار گرفتند، قبول اصل زمین در مقابل صلح، قبول تاسیس یک کشور مستقل فلسطینی با پایتختی بخش شرقی بیت المقدس از سوی اسرائیل، و در مقابل برقراری روابط عادی در چهارچوب یک صلح همه جانبه با اسرائیل می باشد. قطعنامه مصوبه در ۷ بند نحوه عملی شدن مفاد مختلف «طرح صلح» را مورد توجه قرار می دهد.

برخی کشور های عربی و از جمله سوریه نسبت به مبهم بودن فرمول بندی مصوب در مورد سرنوشت پناهندگان فلسطینی که بدنبال جنگ های ۵۰ ساله اخیر از خانه های خود رانده شده و در اردوگاه های پناهندگی در کشور های همسایه زندگی می کنند و یا در دیگر نقاط جهان پراکنده شده اند، معترض بودند.

دستاورد های اجلاس را باید در عمل در رابطه با اعلام یک پارچه مخالفت کشور های عربی با هرگونه اقدام نظامی از سوی ایالات متحده برضد عراق دانست. ملاقات، روبوسی در جریان رسمی اجلاس و در مقابل دوربین های تلویزیونی و مذاکره عزت ابراهیم الداوری، معاون صدام حسین، و شاهزاده عبدالله سعودی در اساس به یک فصل ۱۲ ساله مناقشات و مخاصمات دو کشور از زمان اشغال نظامی کویت توسط عراق، نقطه پایان گذاشت. عراق رسماً تعهد کرده است که از ادعا های ارضی خود نسبت به کویت دست بکشد و امنیت و یکپارچگی این کشور عربی همسایه جنوبی خود را تضمین کند.

ادامه جایزه های «انرون»

کنند، مانند سیتی کورپ، جی بی مورگان، چیس، جنرال الکتریک و گروه بکتل، پشتیبان عمده شرکت انرون در ماجراجویی های سود جویانه بین المللی اش، یک «تازه وارد» بود. انرون همچنین برای پیش برد معامله های بین المللی خود به همه اهرم های قدرت سیاسی، مالی، دیپلماتیک و نظامی پنتاگون، وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری نیاز داشت. در این راستا است که وزیر امور خارجه کالین پاول، نخستین دریافت کننده جایزه انرون، با در محضور قرار دادن ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، او را مجبور به پذیرش پایگاه های نظامی دائمی آمریکا در ازبکستان و قزاقستان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی کرد.

پنهان نگه داشتن محوری بودن اهمیت « نفت، گاز، برق» در این شگرد های دیپلماتیک و نظامی درآسیای مرکزی یکی از دلایلی است که بوش و دیک چینی، معاون رئیس جمهور، با مطرح کردن «حقوق ویژه قوه اجراییه» از شهادت در مقابل کمیسیون ویژه رسیدگی به افتضاح ورشکستگی انرون و ارائه اسناد فعالیت کمیسیون تولید انرژی دولت به دفتر حسابرسی عمومی کنگره خودداری می ورزند. خودداری و امتناع از شهادت در رسیدگی کنگره به افتضاح سقوط انرون، دلیل دیگری برای تصمیم کنت لی برای بهره جستن از «ماده اصلاحی پنجم قانون اساسی» است . آقایان بوش، دیک چینی و کنت لی هیچ کدامشان مایل نیستند مردم به ارتباط سود ناشی از کنترل منابع عظیم نفت و گاز که در نتیجه تهاجم افغانستان و «جنگ با تروریسم» ممکن می شود، پی ببرند.

مرگ «ساویمبی» ، سر آغاز روند صلح در آنگولا

در ۲۲ فوریه مردم آنگولا و دیگر کشورهای آفریقایی با شنیدن خبر کشته شدن «یوناس ساویمبی »، رهبر سازمان تروریستی و ضد انقلابی اونیتا و عامل ده ها سال جنگ، ترور و ویرانی در آنگولا ، دست به شادمانی زدند . مرگ ساویمبی، یک پیروزی بزرگ برای دولت و مردم آنگولا در مبارزه برضد امپریالیسم و ارتجاع به شمار می رود و این امید را برای همه زنده کرده است که جنگ داخلی ۴۱ ساله این کشور در شرف پایان است. رسانه های گروهی کشور های سرمایه داری اروپا و آمریکا، مانند «نیویورک تایمز»، «بی بی سی »، « سی ان ان»، تایمز مالی، «واشنگتن پست»، در مقالاتی به مناسبت مرگ او سعی در ترسیم چهره ای مقبول از ساویمبی نمودند. در این مقالات ساویمبی به عنوان «شخصیت فوق العاده»، « یک رهبر مبارزه با استعمار پرتغال» و غیره خوانده شده و ادعا شده است که او به چین وابستگی داشته است، «چه گوا را» را تحسین می کرده و گویا درگیر «جنگ خلقی؟» بوده است. این ها غیر از مشتی جعلیات چیز دیگری نیست. واقعیت ان است که ساویمبی، از دهه ها پیش به توافقی با سیا گردن نهاد و به مهره دست نشانده ای به نیابت از سوی امپریالیسم آمریکا در جنگ برضد دولت انقلابی آنگولا تبدیل شد. در دوران این جنگ داخلی طولانی که توسط او دامن زده شد، بیش از پانصد هزار نفر جان خود را از دست دادند، ده ها هزار نفر بر اثر مین های زمینی دچار نقص عضو شدند ، میلیاردها دلار خسارات و خرابی های مادی بر جای ماند و بدبختی و فقر و بدهی های فراوانی نصیب خلق آنگولا شد که برای باز پرداخت آن، به ده ها سال نیاز است.

ساویمبی، علاوه بردریافت کمک های مالی و نظامی از سوی آمریکا، از طرف دولت پرتغال، استعمارگر سابق آنگولا، نیز پشتیبانی مالی می شد. در اوایل دهه ۷۰، سازمان «اونیتا» به رهبری ساویمبی، قرار داد رسمی با پرتغال برای همکاری های نظامی در جنگ برضد «مپلا»، نیروی اصلی ای که رهبری مبارزه علیه استعمارگران پرتغالی را بدوش داشت، امضاء کرد. مبارزات مردم آنگولا تحت رهبری «مپلا» سرانجام منجر به استقلال آنگولا شد .

ساویمبی همچنین با رژیم «آپارتاید» آفریقای جنوبی و سازمان «سیا» به توافق های سیاسی رسیده بود. «مپلا »، به یاری نیروهای کوبایی و کمک های بی دریغ این کشور، حمله نیروهای دولت «آپارتاید» آفریقای جنوبی را در سال های پس از استقلال و به ویژه در نیمه اول دهه ۸۰ میلادی با شکست مواجه ساخت. ایالات متحده و رژیم آپارتاید انتظار داشتند که «اونیتا» پس از پیروزی قدرت دولتی در آنگولا را به دست بگیرد.

نقش سازمان «سیا» در آنگولا تا سال ۱۹۷۸ به طور دقیق در کتاب « در جست و جوی دشمن»، نوشته جان استاک ول، نگاشته شده است. استاک ول، رییس «سیا» در بخش مربوط به آنگولا بود، اما پس از مدتی از این سازمان استعفا داد. در حالیکه در این کتاب به طور مستند ارتباط ساویمبی با سازمان سیا بطور کامل و با مدارک فراوان نشان داده شده است، اما نیویورک تایمز و واشنگتن پست در آخرین مقالات خود در مورد کشته شدن ساویمبی، به آن اشاره ای نکرده اند.

آنگولا کشوری است در فقر شدید، جنگ زده، با بدهی های خارجی فراوان و با یکی از فقیرترین استانداردهای زندگی در سراسر جهان. کشوری که یک سوم جمعیت آن یعنی چهار میلیون نفر، به دلیل جنگ داخلی دهه های اخیردر داخل کشور آواره بوده و در کمپ ها زندگی می کنند . آنگولا تامین کننده بیش از ۸ درصد نفت مصرفی آمریکا است و این خود دلیلی برای علاقه آمریکا برای داشتن رژیمی دست نشانده و تامین کننده منافع آن در این کشور است.

از سال ۱۹۹۲ که ساویمبی در انتخابات این کشور که تحت نظارت سازمان ملل و به منظور پایان دادن به جنگ داخلی سازمان داده شده بود، شکست خورد، مفاد قرار داد صلح و آتش بس را زیر پا گذاشت و دوباره به جنگ داخلی دامن زد. در این میان ایالات متحده دو استراتژی موازی را در رابطه با این کشور تعقیب کرد، از سویی اونیتا را از نظر مالی و نظامی به طور کامل تغذیه کرد تا بتواند روند جنگ را ادامه دهدو از سوی دیگر با دولت مپلا ، روابط سیاسی برقرار کرد، به آن «کمک مالی» کرد و تسهیلاتی برای مبادلات متقابل کالا و محصولات بین دو کشور قایل شد. ایالات متحده حتی به دولت آنگولا پیشنهاد کرد که در صورت کنار آمدن با اونیتا و مصالحه با آن، وام های مورد نیاز این کشور را تسهیل خواهد کرد و البته این اظهر من الشمس است که توافق با اونیتا به مفهوم سرنگونی دولت مپلا و به قدرت رسیدن ضد انقلابیون وابسته به امپریالیسم و ارتجاع در این کشور است.

روزی که خبر کشته شدن ساویمبی پخش شد ، رهبران آنگولا آتش بس بلا درنگ را اعلام کردند و از تمامی نیروهای نظامی وابسته به اونیتا خواستند تا با تحویل سلاح به جنگ ۲۷ ساله پایان ببخشند و شروع به سازندگی کشور کنند. کاری عظیم که به نیرویی عظیم و فعال نیاز دارد. بیش از ۲۷ سال خرابی ناشی از جنگ و کشته شدن نیروهای فعال و جوان، آنگولا را به ویرانه ای مبدل ساخته است که نیاز به میلیارد ها دلار بودجه، سال ها وقت و کمک های فراوان بین المللی دارد.

هرچند که جنگ نظامی برای بسیاری پایان یافته تلقی می شود و بسیاری نیزکشته شدن ساویمبی را آغاز صلح میدانند ، اما مبارزه اصلی تنها آغاز شده است و آن نیز سامان دادن به روند برآوردن نیاز ها ی مردمی و بالا بردن سطح تولید اقتصادی در جهت ارتقاء سطح زندگی عمومی در کشور است .امری که در وضعیت کنونی جهان یک قطبی، «نظم نوین جهانی» و شرایط غیر عادلانه تحمیلی از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ، آنگولا برای دستیابی به آن با مشکلات بسیاری مواجه خواهد بود .

جایزه های «انرون»

ابزاری برای تصاحب منابع انرژی در روسیه و آسیای مرکزی

به دنبال اعلام ورشکستگی شرکت انرون ، یکی از بزرگترین انحصار های ایالات متحده که روابط بسیار نزدیکی با دولتمداران ایالات متحده و به ویژه حزب جمهوریخواه این کشور داشته است، گزارش های فراوانی از عملکرد غیرقانونی آن در بسیاری از عرصه های تجاری، حسابرسی و پرداخت مالیات منتشر شده است. ولیکن آنچه کمتر مورد توجه بوده است نقش فعال گردانندگان این شرکت به نمایندگی از سوی دولت آمریکا در اعمال نفوذ بر روند سیاست گذاری در کشور های جهان به منظور تامین منافع امپریالیسم یانکی می باشد. در این مقاله که در ۱۰ اسفند ماه ۸۰ در «هفته نامه جهان مردم» ، ارگان حزب کمونیست آمریکا منتشر شد، برخی حقایق پوشیده از انظار زحمتکشان در رابطه با نقش انحصارات و برخی مهره های برجسته سیاسی در روند فروپاشی کشور های سوسیالیستی شرق اروپا افشاء شده است.

• • •

هنگامی که کنت لی، مدیر پیشین شرکت انرون و جیمز بیکر، وزیر پیشین امور خارجه ایالات متحده آمریکا در اوایل دهه ۹۰ میلادی، ورود میخائیل گورباچف را به شهر هوستون تگزاس برای دریافت جایزه انرون به مناسبت « خدمات عمومی برجسته» خوش آمد می گفتند، افزون برجشن گرفتن پیروزی شرکت های بزرگ سرمایه داری آمریکا در جنگ سرد، نیتی دیگر در سر داشتند.

روسیه و جمهوری های سابق شوروی در آسیای مرکزی دارای دومین ذخیره های عظیم کشف شده نفت و گاز در جهان هستند. روسیه همچنین دارای بزرگترین شبکه انرژی الکتریکی می باشد.

مجتمع های نفت و گاز در زمان پیش از فروپاشی، در مالکیت اجتماعی بود و با مهارت و زحمت کارگران و زحمتکشان این صنعت، معدنچیان و کارگران تولید برق هیدروالکتریکی توسعه می یافت. دست یابی به این منابع انرژی زا می توانست سرقتی معادل جمع تمامی سود های حاصل از ترفند های خصوصی سازی شرکت انرون در دنیا باشد.

در این ضیافت سه روزه که در بخش « لستیتو برای تعیین سیاست عمومی» وابسته به جیمز بیکر سوم، در دانشگاه رایس، برگزار شد، مهمانان دیگری از قبیل کیسینجر، وارن کریستوفر، سایروس ونس و جیمز بیکر، که همه وزرای خارجه پیشین ایالات متحده بودند، حضور داشتند. جیمز بیکر در سخنرانی خود خطاب به مهمانان گفت گورباچف «رشادت شخصی و سیاسی فوق العاده ای از خود» در فروپاشی اتحاد شوروی نشان داده است. کنت لی نیز در گفته های تملق آمیز اظهار داشت که گورباچف « امروز از آن معدود افرادی است که زنده اند و عملاً جهان را دگرگون کردند.» او به گورباچف چکی به مبلغ ۲۵۰ هزار دلار تقدیم کرد. پاداشی کوچک برای کاری بس گران!

چهار ماه بعد در دوم فوریه ۱۹۹۸، کنت لی برای شرکت در «کنفرانس اقتصاد جهان » به شهر داووس در کشور سوئیس پرواز کرد. او در آنجا با بوریس برونوف، رئیس شرکت «سیستم های برق واحد» روسیه ملاقات نمود. آن ها به اتفاق یک « پیمان نامه استراتژیک ده ساله» را امضاء کرده و در اصول برای سرمایه گذاری مشترک این پروژه ۵۵ میلیون دلاری به توافق رسیدند. به گفته برونوف « این نخستین معامله مالی تحت این پیمان به شمار می رود.» این پیمان با انرون، شرکت «سیستم های برق واحد» را قادر می سازد که با ترکیب تجارب خود در تولید، انتقال، بازار یابی و توزیع انرژی بهره برداری از پروژه های مشترک در روسیه، اروپا و آسیای مرکزی را مورد هدف قرار دهد.»

کنت لی این موافقتنامه را « گامی مهم در مناسبات انرون با شرکت سیستم های برق واحد روسیه» نامید. شرکت مزبور بزرگترین مجتمع برق رسانی در جهان است که نزدیک به ۲۰ درصد انرژی الکتریکی روسیه را تولید می کند و مالکیت عمده سهام ۵۲ شرکت برق رسانی در مناطق روسیه را داراست.

جیمز بیکر و کنت لی در ماه آوریل ۱۹۹۹ جایزه انرون را به ادوارد شواردنادزه، رئیس جمهور گرجستان تقدیم کردند. باز هم همان گفته های کلیشه ای تکرار شد. گفته شد که وزیر خارجه پیشین اتحاد شوروی « یکی از سردمداران جنبش طرفدار رفرم های دموکراتیک» در اتحاد شوروی بوده است. بیکر گفت: «او سیاست هایی را که منجر به خروج نیروهای شوروی از افغانستان و وحدت مجدد آلمان شدند، رهبری کرد» و اکنون با همت او « رفورم های دموکراتیک و اقتصادی آغاز شده اند و آرامش سیاسی، رشد اقتصادی و همکاری های افزایش یابنده در سراسر منطقه اعاده گردیده است.»

گرجستان یک مسیر ممکن برای احداث لوله های صدور نفت و گاز برای انتقال انرژی از حوضه دریای خزر و جمهوری های آسیای مرکزی به اروپای غربی در نظر گرفته شده است. انگیزه های چاپلوسی برای شواردنادزه را باید در داشتن اهمیت حیاتی این پروژه برای کمپانی های نفتی و گاز دید.

جورج دبلیو بوش در زمان برگزاری این ضیافت ها برای تجلیل عاملان انحصار های بین المللی، فرماندار ایالت تگزاس بود. پاره ای از مکاتبات بین بوش و کنت لی در آن سال ها اخیراً در شهر آستین تگزاس منتشر گردیده اند. در یکی از نامه ها به تاریخ ماه آوریل ۱۹۹۷، کنت لی انجام یک برنامه پذیرایی در کاخ فرمانداری به افتخار یک شخصیت بلند پایه از ازبکستان را به بوش یاد آوری می کند. لی در این نامه خاطر نشان می سازد که شرکت انرون اخیراً یک قرارداد ۲ میلیارد دلاری برای توسعه و انتقال گاز طبیعی از ازبکستان را امضاء کرده است. در این یاد داشت می گوید: «من اطمینان دارم که شما و آقای سفیر، صفا اوف، جلسه ای پربار خواهید داشت که به مناسبات دوستی بین تگزاس و ازبکستان خواهد انجامید.»

دو سال بعد کنت لی در نامه دیگری از بوش می خواهد که با نخست وزیر رومانی در شهر هوستون ملاقات نماید. لی در این نامه اشاره می کند که شرکت انرون قرارداد برای یک معامله مشترک را به امضاء رسانیده که به موجب آن گاز طبیعی از میدان های نفت خیز پلواستی در رومانی را به بازار عرضه کند.

شرکت انرون در سال ۱۹۸۵ پایه گذاری شد که در مقایسه با شرکت های عظیم که از پشت پرده مسایل را هدایت می

ادامه در صفحه ۷

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. http://www.tudehpartyiran.org
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 631
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

2 April 2002

شمارۀ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
نام IRAN e.V.
شمارۀ حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse